



مالیات در اسلام

محمد اعظمی^۱

محمد مخملی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۰

چکیده:

در عصر نوین، دریافت مالیات از جمله مهم‌ترین منابع درآمدی دولت محسوب می‌گردد و همواره دولت‌ها به دنبال راهکارهایی جهت الزام افراد در پرداخت به‌موقع مالیات می‌باشند، چراکه دولت‌ها برای رتق وفتق امور خود غالباً متکی به درآمد مالیاتی می‌باشند. این در حالی است که در نظام اقتصادی اسلام، مردم داوطلبانه نسبت به پرداخت آن اقدام می‌کنند، لذا این سؤال مطرح است که در اسلام افراد به چه دلایلی اقدام به پرداخت مالیات و حقوق دولتی می‌نمایند؟ این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر تمکین افراد نسبت به پرداخت مالیات در نظام اقتصادی اسلام می‌پردازد که بتواند فاکتور قابل تجویزی در نظام کنونی ارائه نماید و در پاسخ به سؤال مطروحه انگیزش درونی و فرهنگ اسلامی مهم‌ترین مؤلفه الزام افراد به تمکین داوطلبانه است که در نظام‌های اقتصادی فعلی هم کارآمد و قابل تکیه و از طریق خودنظارتی و مشارکت افراد قابل تحقق است.

کلیدواژه: مالیات، اقتصاد اسلامی، نظام‌های مالیاتی

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا، کارشناس دیوان محاسبات کشور (نویسنده مسئول)
mh930550327@gmail.com

۲. کارشناس حسابداری، کارشناس دیوان محاسبات کشور

مقدمه

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مالیات‌ها نقش چشمگیری در هدایت و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی کشور نداشتند. وجود ذخایر نفتی و افزایش قیمت جهانی آن به‌ویژه در دهه ۵۰ موجب افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت و کاهش توجه به اهمیت درآمدهای مالیاتی شده بود. اما پس از انقلاب شرایط به‌طور کامل دگرگون شد، تحمیل جنگ به ایران، استخراج و صدور نفت را دشوار ساخت و تحریم اقتصادی ایران نیز فروش آن را بیش‌ازپیش مشکل کرد. کاهش قیمت‌های جهانی نفت، درآمد صادرات نفتی را کاهش داد، در نتیجه، درآمدهای ارزی دولت علاوه بر کاهش، بی‌ثبات هم شد. بروز این شرایط زمینه توجه و اعتماد بیشتر به مالیات‌ها را به‌صورت یک درآمد دائمی برای دولت پدید آورد. لزوم بازسازی اقتصادی کشور پس از پایان جنگ تحمیلی و تهیه برنامه‌های پنج‌ساله اول و دوم برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، نقش مهم سیاست‌های مالی از جمله نظام مالیاتی را بیش از گذشته آشکار کرد. (حمزه‌پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۴)

یکی از مسائل عمده در کشورهای دارای با اقتصاد در حال توسعه، افزایش سطح تمکین مالیاتی است (Cumplings، ۲۰۰۹: ۴۴۷-۴۵۷) به نحوی که کاهش تمکین مالیاتی در کنار سایر عوامل، تحقق درآمد مالیاتی را با مشکل مواجه کرده و درآمد پیش‌بینی شده از مالیات را با کاهش چشمگیری مواجه می‌نمود، که از جمله آن‌ها می‌توان به ایرادات وارد بر قانون مثل عدم شفافیت، برداشت متفاوت از قانون، مالیات مضاعف و... اشاره داشت و ایرادات دیگری که از عوامل مختلفی از جمله فرهنگی و نگرشی و... مثل عدم اعتماد به دولت و عدم اعتقاد به پرداخت مالیات و... و همچنین ناشی از سایر عوامل مثل عدم امکان مشاهده و نظارت بر مصرف مالیات توسط مالیات دهندگان دانست.

تمکین مالیاتی به تمایل مردم به پرداخت مالیات به صورت اختیاری اشاره دارد (Verboon, &...، ۲۰۰۷: ۷۰۴-۷۲۷) عدم تمکین، فرار و اجتناب مالیاتی از مسائل بسیار مهم در بسیاری از کشورها می‌باشد (Damjanovic، ۲۰۱۰: ۵۹۴-۶۰۷) بدون شک در وصول مالیات، مودیان مالیاتی یکی از عوامل مؤثر بر نظام مالیاتی تلقی می‌گردند. آنگونه که از روایات و... برمی‌آید در اقتصاد اسلامی نوعی پرداخت داوطلبانه مالیات به چشم می‌خورد که در نظام‌های نوین جایگزینی راهکارهای الزام آور و اجباری با این نوع پرداخت داوطلبانه مدنظر و مطلوب می‌باشد که در این مقاله سعی در بررسی چرایی الزام و چگونگی پرداخت است.

آیه ۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دارایی‌هایتان را میان خود به باطل نخورید، مگر اینکه تجارت از روی رضایت باشد و یکدیگر را نکشید همانا خداوند بر شما مهربان است.» و پیامبر اکرم (ص) بر اساس روایت ابواسامه زید شحام و موثق سماعه در خطبه حجه‌الوداع فرمود: «آگاه باشید، هر کس نزد او امانتی است می‌بایست آن را به نزد کسی بازگرداند که آن را به نزدش امانت نهاده است. خون و مال هیچ مسلمانی حلال نیست، مگر به رضایت او.» (وسائل الشیعه، ۱۲۰) این آیه و حدیث، وجوب حرمت مال مسلمان را نمایانگر است و این پرسش

حاصل می‌شود که مالیات چه جایگاهی در اسلام دارد؟ آیا می‌شود بخشی از مال افراد را بدون رضایت آنها تصاحب نمود؟ آیا الزام افراد به پرداخت مالیات وجهه شرعی دارد؟

در پاسخ می‌توان گفت؛ تسلط مردم بر اموال خود نمی‌تواند مانع از جعل مالیات باشد، زیرا خداوند، پیامبر(ص) و امامان معصوم(ص) را اولیای امت اسلامی قرار داده و بصراحت در قرآن کریم فرموده است: «پیامبر بر اهل ایمان از خودشان سزاوتر است.»^۱ در آیه دیگری می‌فرماید: «ولی شما، تنها خدا و پیامبرش و کسانی که هستند که ایمان آوردند و نماز به پا داشتند و در حال رکوع زکات دادند.»^۲

به هر حال؛ دولت یکی از ارکان تأمین کننده عدالت در نظام اقتصاد اسلامی است و افزون بر تأمین نیازهای معیشتی، رسالت ایجاد توازن میان درآمدهای اقتصادی قشرهای مختلف جامعه را دارد (صدر، ۱۳۵۷) امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به دولتمردان خود می‌فرماید: در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیبنا باشید همانا شما خزانه داران مردم و نمایندگان ملت هستید و سفیران پیشوایان هستید هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروع محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم... و به مال کسی دست‌اندازی نکنید (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۵۱) در میان روایات، روایتی را نیافتیم که به صراحت بر جواز وضع مالیات به شکل مطلق دلالت کند، تنها در این مورد روایاتی وجود دارد که بر جواز مالیات و صدور آن از ولی امر دلالت دارد؛ در روایت صحیح محمدبن مسلم زواره از امام محمد باقر و امام صادق(ع) آمده که فرمودند: «امیرالمؤمنین(ع) برای هر اسب تازی که در چراگاه چریده، برای هرسال دو دینار و برای هر اسب غیر عربی یک دینار قرار داد.» این زکات نیست زیرا زکات از جانب خدا وضع شده است نه امیرالمؤمنین(ع) لذا فقیهان امامیه این روایت را بر استحباب زکات برای اسب حمل کرده‌اند (قمی، ۸-۹).

ولی آنچه در اقتصاد اسلامی در مقایسه با سیستم‌های مالیاتی دیگر قابل ذکر است اینکه چون افراد داوطلبانه به پرداخت مالیاتهای موظف اقدام می‌کنند هزینه جمع آوری آن بسیار پایین است (خزایی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴: ۹۱) اگرچه ساختار نظام مالیاتی اسلام مبتنی بر پرداخت داوطلبانه مالیات توسط مؤدی است لکن از برخی روایات و... الزام در دریافت از سوی والی و حاکم هم مورد تصور است زیرا در موارد عدیده‌ای بر حسن رفتار کارگزاران در اخذ مالیات و... سفارش شده است. لکن از جمع همه احادیث و روایات می‌توان به نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی که عموماً مبتنی بر رضایت، پرداخت داوطلبانه و کم‌هزینه برای دولت است، پی برد. اما اینکه چه عاملی مبنای این رضایت و پرداخت داوطلبانه است سؤال این مقاله است که در نظامهای مالیاتی نوین هم قابلیت بکارگیری و استفاده دارد. در ابتدای امر به‌طور مختصر، انواع مالیات در اسلام مورد لحاظ قرار می‌گیرد.

۱. سوره احزاب آیه ۶

۲. سوره مائده آیه ۵۵

۱- انواع مالیات در اسلام

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره اثرات مالیات در اداره جامعه اسلامی خطاب به مالک اشتر فرماندار مصر در نهج البلاغه می‌فرماید: "امور مردم جز با سپاهیان، استوار نگردد و پایداری جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند، به درستی که خداوند سبحان در اموال اغنیا، (حق) فقرا مقرر فرمود..."^۱

لذا اسلام برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها دو نوع سیاست را اندیشیده است: سیاست‌های تکلیفی و سیاست‌های تشویقی. سیاست‌های تکلیفی شامل خمس، زکات مال، زکات بدن (فطریه) کفاره‌های مالی (جریمه‌های شرعی برای تلفاتی مانند شکستن نذر و قسم، خوردن روزه ماه مبارک رمضان و ارتکاب برخی محرمات احرام در حج) علاوه بر این اسلام مردم را به صرف اموال در راه خدا و کارهای خیر، به‌ویژه تأمین نیازمندان تشویق کرده است (احمدی و وفایی یگانه، ۱۳۹۱) منابع مالی در دوره پیامبر اکرم(ص) عبارتند از خمس، زکات، خراج، جزیه، انفال و فیء (سجادی و غیائی، ۱۳۹۰: ۴۶)

برای اولین بار غنایم جنگ بدر بر پایه قانون خمس، تقسیم و جزیه از اهالی تیماء دریافت شد (فتوح البلدان، ۴۸) در واقع یک پنجم از سود الزام به پرداخت دارد که خمس نامیده می‌شود. سیستم اجرایی زکات و جزیه در سال‌های ۲ و ۸ قمری به دنبال نزول سوره براءت و خراج برای نخستین بار در سال ۷ قمری به هنگام فتح خیبر برقرار شد (جعفریان، ۴۵۱)

در تحقیقی به بررسی تأثیر زکات (گندم و جو) در کاهش فقر پرداخته شده و نتیجه نشان داده که اگر زکات با درایت و مدیریت گردآوری و هزینه شود، قادر به تأمین مالی گروه بزرگی از فقیران است (یعنی برآورد و مصارف صحیح زکات در راستای حل یک مشکل اجتماعی بزرگ راهگشا خواهد بود (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۲۲)

مالیات‌های اصلی در اسلام خمس و زکات هستند که با نزول آیات قرآنی در سال‌های دوم و هشتم هجرت الزامی شدند. (شهابی، ۱۳۵۷)

پرداخت این دو نوع مالیات جزو عبادت‌ها محسوب می‌شود و همچنین سایر عبادت‌ها ثواب دارد. به همین جهت شکل و زمان پرداخت آنها نیز از جانب شارع اسلام تعیین شده است (حمزه‌پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸)

غنایم؛ به دارایی‌هایی اشاره دارد که پس از جنگ با افراد غیرمسلمان نصیب مسلمانان می‌شود و بر اساس سوره انفال یک پنجم آن سهم دولت اسلامی و چهارپنجم آن عموماً به مبارزان حاضر در جنگ داده می‌شود. این نوع درآمد در زمان پیامبر اسلامی به عنوان منبع ویژه‌ای به حساب می‌آمد. (مه‌دوی خو، ۱۳۹۴: ۱۰۹)

خراج، مالیات دیگری است که در صدر اسلام مهمترین منبع تأمین کننده درآمدهای بیت‌المال بود. مقدار آن را هر ساله پیامبر اسلام(ص) یا خلیفه مسلمان‌ها تعیین می‌کرد. بنابراین،

مبلغ آن با توجه به مناطق و مکانهای مختلف تغییر می‌کرد (حمزه‌پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸) خراج از مهمترین منابع اسلامی در طول تاریخ بوده است که با فتح زمینهای غیرمسلمان و الحاق آنها به سرزمین‌های اسلامی، ملکیت آنها دچار تغییر شده است. خراج گاه به‌صورت جزء معینی از محصول مثل ربع یا ثلث است که امام وقت مقدار آن را تعیین می‌کند و بر متصرفین واجب است که به حکومت اسلامی پرداخت کنند (کفشگر، سایت پژوهشکده باقرالعلوم)

جزیه، مالیات ثابتی بود که به‌طور سرانه از غیرمسلمان‌ها گرفته می‌شد مبلغ آن را نیز دولت در مقابل خدمات اجتماعی که به ایشان ارائه می‌شد تعیین می‌کرد. درآمد حاصل از جزیه در مقابل سایر مالیات‌ها در اقتصاد صدر اسلام ناچیز بود. (حمزه‌پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۸) صدقه: به‌طور جامع مترادف با زکات در نظر گرفته می‌شود عموماً زکات بخشی از ثروت افراد است که برای افراد مستمند در نظر گرفته می‌شود (Sabiq، ۱۹۹۱)

انفال بعد از غزوه بدر (طبری، ۱۲۸۱) مبنای شرعی پیدا کرد و در واقع زمین‌هایی است که اهالی آن بدون جنگ آنها را رها کرده، به دست دولت اسلامی سپرده یا اهالی آن منقرض شده‌اند یا خود را تسلیم حکومت اسلامی کرده‌اند. (خزایی، ۹۶)

فیء در سال پنجم در غزوه بنی‌نضیر رایج شد (السیره النبوی، ۷۲۴) و غنیمت واگذار شده توسط دشمن بدون جنگ و خونریزی است. این نوع درآمد نوعی هدیه، تکریم یا جریمه مالی از طرف افراد یا کشورهای غیرمسلمان به دولت اسلامی است (Ahmad، ۱۹۸۹)

نوعی حق گمرکی است که بر کالاهایی که وارد کشورهای اسلامی می‌شود تعلق می‌گیرد خواه این کالاها در جامعه اسلامی مصرف شود یا اینکه از کشور اسلامی به عنوان یک معبر استفاده گردد. به‌طور خلاصه این نوع مالیات از تجار کشورهای دیگر اخذ می‌شود. در صورتیکه درآمد ناشی از خراج، غنیمت و فیء، کافی و با اهمیت باشد دیگر نیازی به وضع مالیتهای دیگر نیست درحالیکه بر اساس اصول اسلامی در صورت عدم کفاف مالیتهای مذکور، وضع مالیات‌های دیگر ضروری و الزامی است. (Al- Qardawi، ۱۹۸۰)

دولت اسلامی با توجه به تکالیف خود در تأمین هزینه انجام وظایف نسبت به وضع و اخذ یک یا چند نوع از مالیات‌های مندرج در فوق اقدام می‌کند.

۲- علل پرداخت داوطلبانه مالیات مؤدی در اسلام

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت... مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچکتر نخواهد بود...»^۱

۱. نامه ۵۳ نهج‌البلاغه

در دین اسلام بفرموده قرآن کریم اجباری در پذیرش جهان بینی نیست «لااکراه فی الدین» زمانیکه جهان بینی با جهان واقع همسو گردد الزام در اقدام، درونی می شود و اهرم فشار نه از بیرون بلکه الزام درونی تلقی شده و افراد بدون نیاز به حضور ناظر بیرونی، تکالیف و وظایف پذیرفته شده خود را انجام می دهند. این مبحث که در حال حاضر به بحث خود-نظارتی معروف گشته در مکاتب ایدئولوژی محور همواه مورد تأیید و تاکید است که با توجه به اینکه هزینه نظارت را بشدت کاهش می دهد مکاتب نوین بدنبال راهکارهایی در جهت تقویت آن می باشند. در ذیل دلایل تمکین داوطلبانه از فرامین مالیاتی در اسلام مورد بررسی قرار می گیرد:

- در اقتصاد اسلامی با توجه به تأثیر جهان بینی اسلامی بر کردارهای اقتصادی افراد، پرداخت‌های مالیات به هیچ وجه مانند نظام دیگر بار تلقی نمی گردد، بلکه پرداخت مالیات بعنوان یک وظیفه شرعی و عبادی است که موجب کمال انسان نیز می شود (خزایی، ۹۲)
- یکی از مهم ترین مسائل قابل طرح در اقتصاد بخش عمومی موضوع انتقال مالیاتها است. با توجه به اینکه مالیات بار تلقی می شود، افراد سعی می کنند به نحوی مالیات خود را به دیگران انتقال دهند، اما در اقتصاد اسلامی با توجه به اینکه پرداخت مالیات وظیفه شرعی افراد تلقی می شود نه بار، به هیچ وجه مساله انتقال مالیات به دیگران در اذهان مردم جای نمی گیرد.
- از آنجاکه تحقق هر برنامه اجتماعی با سطوح مختلفی از ذی نفعان مواجه است که به دلایل گوناگون با آن برنامه دست به گریبانند و یا نتایج آن برنامه بر ایشان تأثیر می گذارد، لذا بدون توجه به علایق و انگیزه های ایشان، به نتیجه رساندن یک برنامه تحول اجتماعی، امکان پذیر نمی باشد. بنابراین، جلب و ارتقای مشارکت ذی نفعان در هر فرآیندی از این دست، نیازمند ظرفیت سازی است. ظرفیت سازی اجتماعی (CCB) که به آن ظرفیت سازی توسعه نیز می گویند عموماً به تقویت توانایی ها، مهارت ها و رقابت های مردم و گروه های اجتماعی در جوامع توسعه یافته اشاره داشته که به آن وسیله بتوانند بر محدودیت ها (محرومیت ها) و عوارض منفی ناشی از آنها فائق آیند. در بیانی دیگر ظرفیت سازی، توسعه نظام یافته (یا ارتقاء) دانش، نتایج، سطح، مدیریت، مهارت ها و دیگر استعداد های یک سازمان از طریق اکتساب ها، انگیزش ها، تکنولوژی و یا آموزش است. بدین منظور باید مداخلات هدفمند افراد و گروه ها در یک فرایند توسعه ای افزایش یافته و ضریب حساسیت ایشان بالاتر رود، لذا برنامه های ظرفیت سازی مبتنی بر اصلاح و تغییر نگرش ها همچنین اصلاح ساختارها از سطح خرد و کلان فیما بین ذی نفعان بوده و حرکت به سوی حکمرانی به جای حکومت کردن و مشارکت و مذاکره

به جای آمریت و تفوق، استراتژی راهبردی این معناست. بالطبع فعال کردن نهادهای مدنی، سندیکاها و اتحادیه‌ها و رسانه‌ها می‌تواند در فرایند حکمرانی به مشارکت هرچه بیشتر ذی‌نفعان کمک می‌کند (ابدی، ۱۳۹۴). که در دین اسلام شور، مشورت، شورا، مشارکت و تعاون در غالب امور اجتماعی نقش چشمگیری دارد.

- در راستای عبادی بودن فرامین و تکالیف اسلام اجرای درست آن هم در امتداد جهان بینی پذیرفته شده از الزامات شرعی است. چرا که قطع نظر از یک قانون خوب مالیاتی، اجرای دقیق و درست آن به اهداف مورد نظر سیاستگذاران و قانون‌گذاران جامه عمل می‌پوشاند. (حمزه‌پور، ۴۸)

- مالیات بر درآمد (خمس) دارای منابع متعدد است که در حال حاضر شاید مهمترین این منابع درآمد (ارباح مکاسب) است و منظور از مازاد درآمد، درآمد خالص یا درآمد پس از کسر مخارج ضروری است؛ بعبارت دیگر، این منبع مالیاتی بر مبنای ۲۰ درصد درآمد خالص وضع می‌گردد درحالیکه مبنای محاسباتی مالیات بر درآمد در نظامهای دیگر درآمد جاری افراد است. چنانچه مالیات بر درآمد را با حرف T، درآمد جاری سالانه را با حرف Y و مخارج مصرفی را با حرف C نشان دهیم، می‌توان تابع مالیات بر درآمد اقتصاد اسلامی را به‌صورت زیر نمایش داد:

$$T=0/2(Y-C)$$

از این رابطه مشاهده می‌شود که در اقتصاد اسلامی تعیین میزان مالیات بر درآمد بستگی به مخارج مصرفی دارد، درحالیکه در نظامهای دیگر، برعکس، مخارج مصرفی بستگی به مالیات مورد نظر خواهند داشت. (صمیمی، ۱۳۸۱): در اقتصاد اسلامی با توجه به اینکه مبنای مالیات درآمد پس از کسر هزینه‌های مصرفی ضروری است اگر مخارج ضروری فرد به علت شرایط اقتصادی (مانند تورم) افزایش یابد هنگامی باید مالیات بیشتری پرداخت کند که درآمد جاری وی پس از کسر شدن هزینه‌های مصرفی افزایش یابد. بنابراین مبنای درآمد خالص بعنوان مبنای محاسبه مالیات بر درآمد در اقتصاد اسلامی باعث می‌شود که در این نظام مالیاتی مالیات بر درآمد همواره عدالت مالیاتی را رعایت و نقش تثبیت‌کنندگی خودکار را به‌صورت واقعی در تمام وضعیتهای اقتصادی ایفا کند (خزایی، ۹۴)

- در اقتصاد اسلامی، در مقایسه با سایر نظامهای مالیاتی از آنجاکه افراد داوطلبانه به پرداخت مالیات‌های موظف اقدام می‌کنند، هزینه جمع‌آوری مالیات بسیار پایین است.
- در اقتصاد اسلامی علت اخذ مالیات و چگونگی مصرف آن مشخص و معین می‌باشد و افراد ضمن اینکه دلیل پرداخت مالیات را می‌دانند نحوه و چگونگی هزینه آن را هم می‌دانند. لذا پرداخت مالیات با مقاومت کمتری همراه است و افراد ضمن پذیرش تعبدی این پرداخت، به جهت شفافیت و معین بودن محل درآمد و مصرف مالیات تمکین مطمئن‌تری را خواهند داشت.

- دیدگاه اجتماعی-روانشناسی، تمکین مالیاتی را وابسته به عوامل روانشناختی از قبیل

توجه به عدالت و ادراکات اخلاقی می‌داند (Kastlger & ...، ۲۰۱۰) تحقیقات آلم و تورگلر^۱ نشان داد کشورهای مختلف از لحاظ فرهنگی، اخلاق مالیاتی متفاوت و در نتیجه تمکین مالیاتی متفاوت دارند (Lewis & ...، ۲۰۰۹: ۴۳۱-۴۴۵) از آنجا که بین پایبندی به اصول شرعی در کسب درآمد و تمکین مالیاتی رابطه معنا داری وجود دارد می‌توان با تقویت هرچه بیشتر این مساله، سطح تمکین مالیاتی را افزایش داد. از طرف دیگر هر چند وضعیت فرار مالیاتی مناسب است ولیکن از آنجاییکه در نزدیکی وضعیت نامناسب است، مشخص می‌شود بایستی اقدامات فرهنگی بیشتری در راستای تقویت مؤلفه‌های مذهبی اعتقادی به کار بست تا تمایل به فرار مالیاتی بسیار جزیی شود و این کار با توجه بیشتر به ملزم ساختن و متعهد سازی افراد به ابعاد مذهبی فراهم می‌شود. (عزیزی و حسین‌زاده نیکویی، ۱۳۹۳: ۷۰)

جدول ۱- نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه درباره تمکین مالیاتی بر حسب حضور در اماکن مذهبی

منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	F مقدار	سطح معناداری
حضور در اماکن مذهبی	۲/۸۲۹	۲	۱/۴۱۵	۲/۷۱۸	٪۶۹
واریانس بین گروهی					
واریانس درون گروهی	۹۲/۱۰۴	۱۷۷	٪۵۲۰		
واریانس کل	۹۴/۹۳۳	۱۷۹			

جدول ۲- نتایج آزمون t دو نمونه‌ای مستقل درباره تمکین مالیاتی بر حسب فعال بودن در اماکن مذهبی

فعال بودن در اماکن مذهبی	آزمون لونس		آزمون برابری میانگین‌ها	
	آماره لونس	سطح معناداری	T آماره	درجه آزادی
فرض برابری واریانس‌ها	۷/۰۰۸	۰/۰۰۹	۱/۷۹۷	۱۷۴
فرض عدم برابری واریانس‌ها			۱/۷۲۶	۱۲۷/۴۲۷

1. Togler

جدول ۳- نتایج آزمون t دو نمونه‌ای مستقل درباره تمکین مالیاتی بر حسب الزام به پرداخت وجوه شرعی

آزمون برابری میانگین‌ها		آزمون لونس		الزام به پرداخت وجوه شرعی
سطح معناداری (دوطرفه)	درجه آزادی	T آماره	سطح معناداری	
۰/۰۹۳	۱۷۸	-۱/۶۸۹	۰/۱۷۳	فرض برابری واریانس‌ها
۰/۰۰۱	۱۲/۷۶۶	-۴/۰۲۶		فرض عدم برابری واریانس‌ها

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه درباره تمکین مالیاتی بر حسب پایبندی به اصول شرعی در کسب درآمد

سطح معناداری	F مقدار	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات	پایبندی به اصول شرعی در کسب درآمد
۰/۲۱	۳/۳۳۴	۱/۷۰۲	۳	۵/۱۰۵	واریانس بین گروهی	
		۰/۵۱۰	۱۷۶	۸۹/۸۲۸	واریانس درون گروهی	
			۱۷۹	۹۴/۹۳۳	واریانس کل	

در مجموع می‌توان ادعا نمود در اسلام فرهنگ برخاسته از نظام دینی مبنای اصلی و اساسی در پرداخت دواطلبانه مالیات محسوب می‌گردد که با نهادینه شدن در ضمیر افراد منجر به اقتناع وجدانی افراد در پرداخت مالیات گردیده و به صورت پرداخت دواطلبانه نمود می‌یابد؛ که در نظام‌های مالیاتی کنونی هم مؤلفه مذکور قابلیت فرهنگ سازی و گسترش دارد و در کاهش هزینه جمع آوری مالیات توسط دولت نقش چشمگیری خواهد داشت.

۳- راهکارهای نهادینه شدن پرداخت دواطلبانه مالیات

در یک "دولت مقررات‌گذار" سازوکارهای سنتی پاسخگویی که عبارتند از پاسخ دادن به وزراء، پارلمان و دادگاه‌ها، تنها بخشی از شبکه پیچیده و چندوجهی پاسخگویی اداره را تشکیل می‌دهند که به آن "پاسخگویی توسعه یافته" می‌گویند. (Dunsire, ۱۹۸۴: ۱۹) نظریه پردازانی چون بریت ویت (Brathwiare, ۲۰۱۱: ۴۷۶) معتقدند مقررات‌گذاران در تحقق این رویکرد باید به اصول رفتاری زیر پایبند باشند. تعمق در زمینه‌ها و بسترهای موضوع مقررات‌گذاری، استماع فعال نظرات ذی نفعان حوزه مربوطه، مشارکت با فعالان با حسن نیت، قدردانی از طرف‌های متعهد و اصرار بر ضروری بودن حمایت و آموزش برای ایجاد ظرفیت‌های لازم، مدیریت (حکمرانی) هرمی از طریق درگیر کردن شبکه‌های وسیع‌تری از مخاطبان حوزه مقررات‌گذاری، آموزش و... او در

تشریح مدیریت (حکمرانی) هرمی، دو هرم حمایت و مجازات را مطرح نموده که به طور متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند. در هرم حمایت مقررات‌گذار با رویکرد آموزش و تشویق و اعطاء جایزه و کمک و ایجاد تسهیلات تا مرحله اعطای مجوز در جهت گسترش فعالیت مخاطب و نهایتاً عالی‌ترین سطح پیش می‌رود و در هرم مجازات نیز مقررات‌گذار باز از آموزش و تشویق شروع کرده و در برابر رفتار خلاف انتظار مخاطب به تقبیح و مجازات تا تعقیب قضایی و سلب مجوز فعالیت پیش می‌رود. استراتژی فوق‌الذکر ایجاب می‌کند مقررات‌گذار مشکلات را دسته‌بندی نموده و مشکلات جزئی را که با واکنش‌های حداقلی همراه هستند در پایین‌ترین نقطه هرم و مشکلات جدی‌تر را در سطح میانی و مشکلات بزرگ را بالاترین هرم نقطه قرار دهد که این دسته با واکنش‌های به مراتب شدیدتر همراهند. (ابدی، ۱۳۹۴:۲۱۴) به‌طور مثال؛ در قانون مالیات بر شرکتها، به منظور تشویق بخش خصوصی و بالا بردن درجه تمکین به قانون شرکت‌های خصوصی و شرکت‌هایی که اظهارنامه و دفاتر مالیاتی ارائه نکرده‌اند، از طریق تخفیفات، تشویقات، معافیت‌ها و جرائم مالیاتی از اولویت برخوردار شده‌اند در قانون مالیات بر شرکتها، همچنین شرکت‌های صادراتی، فعال در زمینه‌های فرهنگی، بهداشتی و درمانی، نسبت به سایر شرکتها از اولویت برخوردار شده و مورد تشویق قرار گرفته‌اند. (حمزه‌پور، ۴۸)

به نظر براون (۱۹۸۴) سیاست‌های پولی و مالی بر رفتار سرمایه‌گذاری تأثیر دارد و دولت‌ها می‌توانند از طریق سیاست‌های مالیاتی مالیات بر شرکتها بخصوص استهلاک سریع دارایی‌ها و تخفیفات مالیاتی برای شرکتها، سرمایه‌گذاری را ترغیب کنند و در نتیجه باعث رشد اقتصادی شوند. (Brown, ۱۹۸۴)

مینز (۱۹۹۰) در مقاله "معافیت‌های مالیاتی شرکت و سرمایه‌گذاری" معافیت مالیاتی را بعنوان ابزاری برای تشویق سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در مسیر رشد بلندمدت می‌داند (Dunsire, ۱۹۸۴:۱۱۹) از مطالعه اهداف وضع مالیات و اعطای معافیت‌های مالیاتی برای شرکتها در کشورهای مختلف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (حمزه‌پور، ۵۳)

- ۱- تشویق صادرات و اولویت داشتن شرکت‌های صادراتی
- ۲- تشویق شرکت‌های تولیدی و یا فعالیت‌های خاص
- ۳- حفاظت از محیط زیست و تشویق شرکت‌های سرمایه‌گذار در زمینه محیط زیست
- ۴- تشویق شرکتها به تحقیق و توسعه از روشهای مختلف
- ۵- توسعه اقتصادی منطقه خاص و تشویق شرکت‌های سرمایه‌گذار در این مناطق
- ۶- تشویق شرکت‌های سرمایه‌گذار در بخش مسکن و ساختمان
- ۷- تشویق شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی
- ۸- تشویق شرکت‌های سهامی و گسترش مالکیت عمومی
- ۹- تشویق شرکت‌های تولیدی
- ۱۰- تشویق شرکت‌های استفاده‌کننده از فن‌آوری‌های جدید
- ۱۱- توسعه شبکه بانکی و بیمه

۱۲- تشویق شرکتهای فعال در زمینه توریستی

۱۳- جلوگیری از قطع فعالیت‌های تولیدی با اعمال معافیت برای شرکتهایی که فعالیت

بلافاصل داشته باشند.

در ایران اهداف در نظر گرفته شده برای مالیات بر شرکتهای به صورت زیر است:

۱- تشویق شرکتهای فعال در بخش کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و... احیاء

مراتع و جنگل‌ها، باغات، اشجار و نخیلات با معافیت کامل از پرداخت مالیات

۲- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و جذب سرمایه‌های خارجی

۳- تشویق سرمایه‌گذاری در شرکتهای سهامی و تعاونی

۴- تشویق سرمایه‌گذاری به منظور گسترش و نوسازی صنایع کشور

۵- تشویق شرکتهای به استفاده از فن‌آوری‌ها و فنون جدید

۶- جلوگیری از انحلال شرکتهای

۷- توسعه اقتصادی مناطق محروم

۸- تشویق سیاستگذاری‌های مختلف اعم از تولیدی، مهندسی، و... صادرات غیرنفتی

۹- حفاظت از محیط زیست

۱۰- حمایت از تحقیق و توسعه، اختراع، اکتشاف و نوآوری

۱۱- تشویق به رعایت قانون و تشویق شرکتهایی که مالیات آنها از روی دفاتر تشخیص داده

می‌شود نسبت به شرکتهایی که مالیات آنها علی‌الراس می‌شود. (حمزه پور، ۵۶)

درآمد مشمول مالیات، تعداد سهامداران، ماهیت شرکت بر حسب فعالیت دولتی یا غیردولتی، ماهیت شرکت بر حسب فعالیت تولیدی یا خدماتی و صادراتی و فرهنگی از جمله عوامل مؤثر بر مالیات در ایران است. در عمل قانون مالیات بر شرکتهای به نفع شرکتهای خدماتی عمل کرده و فشار مالیاتی بر شرکتهای تولیدی نسبت به خدماتی بیشتر بوده و این فشار مالیاتی ۱۳۷۷ نسبت به ۱۳۷۴ تشدید شده و شاید یکی از علل گسترش شرکتهای خدماتی در مقابل شرکتهای تولیدی این باشد و رفع این تبعیض غیرکارا برای شرکتهای تولیدی احتمالاً موجب گسترش فعالیت‌های تولیدی شود (حمزه پور، ۷۰)

بجز مواردی که قانونگذار مالکیت عمومی در شرکتهای صادراتی و خصوصی را مورد تشویق قرار داده است، در مورد سایر شرکتهای (تولیدی، آموزشی، بهداشتی، درمانی، پزشکی و شرکتهایی که مالیات آنها از روی دفاتر تشخیص داده می‌شود) نظر قانونگذار در عمل اعمال نشده و بعضاً عکس آن نیز عمل شده است. تشویق شرکتهای خدماتی در مقابل شرکتهای بهداشتی و درمانی، تشویق شرکتهایی که مالیات آنها به طور علی‌الراس است در مقابل شرکتهایی که مالیات آنها از روی دفاتر تشخیص داده است از جمله این موارد است (حمزه پور، ۷۲-۷۳)

نیازهای مالی حکومت علاوه بر راه‌های شرعی تأمین مانند خمس، زکات و انفال می‌تواند از طریق مالیات نیز تدارک یابد. همچنانکه خداوند مسئولیتهای مالی متعددی بر عهده ولی امر

است قرار داده، اموال گوناگونی را هم در اختیارش نهاده است. این اموال یا تحت مالکیت اوست، مانند خمس و انفال و یا مالک آنها عموم مردم می‌باشند، مانند زمینهای مفتوح عنوه و خراج آنها و نیز جزیه اهل ذمه و گنجهایی که صاحبانشان آنها را در اختیار او قرار می‌دهند. (قمی، ۳-۴)

استفاده از هنجارهای اجتماعی قواعد رفتاری با بسترهای آماده و موجود در کشور ما با توجه به پایبندی‌ها و مفاهیم عقوبت اخروی و... زمینه ساز تقویت خودنظارتی و پیشگیری‌های درونی از تخلف قبل از ورود نظارت بیرونی و دستگاه‌های ناظر می‌شود. (حقیقی، ۱۳۹۷: ۱۵۷)

با تغییرات روز افزون جامعه در ابعاد مختلف، ارزش‌های جامعه هم به فراخور موضوع، دچار تغییر و تحول خواهد شد. کارکرد دین و اخلاق پایه‌گذاری زیرساخت‌ها و زیربنای یک جامعه است. به ناچار برخی تغییر و تحولات را نه تنها نمی‌توان منکر شد بلکه برای همسانی با جامعه و شرایط روز باید امری الزامی به شمار آورد. اگر لایه‌های زیرین از استحکام درستی برخوردار نباشد قطعاً لایه‌ها و سطوح بالاتر از انسجام برخوردار نخواهد بود. متأسفانه در سنوات اخیر شاهد عدم کاربرد درست هر کدام از این مؤلفه‌ها هستیم امروزه ارزش‌های بنیادینی همچون مفاهیم اخلاقی و دینی که به خودنظارتی منجر می‌شود مبنای بسیاری از گفتمان‌ها قرار دارد زیرا هرگز قادر نخواهیم بود با ابزارها و قوانین و مأمور و مفتش مراقب رفتار و اعمال خلاف به تنهایی باشیم گزارش‌های متعددی موبد نقش تاثیرگذار و بسزای این ارزش‌ها و مفاهیم در کنترل و خودنظارتی‌ها می‌باشد. در دنیای مدرن نه تنها گریز از دین، فلسفه خود را از دست داده بلکه اندیشمندان به دنبال تقویت این ارزش‌ها جهت نهادینه کردن مفاهیم درونی نظارت، هستند. در جوامع دینی و به‌ویژه اسلامی مفاهیم متعالی و ارزشمندی جهت بهره‌برداری در این زمینه وجود دارد در نظارت فرهنگ مدار که از مؤلفه‌های تقویت نظارت، خودنظارتی است که از طریق تقویت و نهادینه کردن ارزش‌های بنیادین دینی و اخلاقی بوجود آمده و پایدار خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

تمکین مالیاتی مؤدی، سهم عمده‌ای در تأمین منابع مالی دولت و در نتیجه رشد، گسترش، توسعه اجتماعی و برقراری عدالت در جامعه دارد. در دین مبین اسلام افراد با رضایت درونی اقدام به پرداخت حقوق دولتی از جمله مالیات می‌نمایند که به دنبال بررسی علل این امر و با توجه به تحقیقات اشاره شده در متن، به این مهم دست یافتیم که انگیزش درونی و فرهنگ اسلامی مهم‌ترین مؤلفه الزام افراد به تمکین داوطلبانه است که با مؤلفه‌های خود-نظارتی و مشارکت افراد در امور، هزینه جمع‌آوری مالیات در نظام اقتصادی اسلام را کاهش می‌دهد که می‌تواند اهرم قابل اتکا در نظامهای اقتصادی کنونی باشد و با بستر سازی فرهنگ اسلامی بعنوان راهکار اخذ مالیات و کاهش هزینه دولت در نظامهای نوین مالیاتی بکاربرده شود.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

۱. ابدی، سعیدرضا. (۱۳۹۴). "تنظیم مشارکتی مالیات، الگویی جدید در نظام مالیاتی". فصلنامه تحقیقات حقوقی. شماره ۷۱.
۲. احمدی، علی محمد، وفایی یگانه، رضا. (۱۳۹۱)، "بررسی میزان مالیاتهای اسلامی در سید هزینه‌ای خانوارها و میزان اثرپذیری آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۶ مسلسل ۶۴
۳. جعفریان، رسول، (۱۳۹۵) تاریخ سیاسی اسلام، جلد ۲، نشر دلیل ما.
۴. حقیقی مهری، (۱۳۹۷)، "بازتاب چالشهای نظری و حقوقی نظارت مالی بر عملکرد شرکتهای دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی در رویه دیوان محاسبات کشور"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۵. حمزه پور، محمد حسین. (۱۳۸۱)، "شناسایی عوامل مؤثر قانونی بر مالیات شرکتهای و نحوه اعمال آنها در عمل"، مجله پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۲۳.
۶. حمزه پور، محمد حسین، صدر، سید کاظم، کفایی، محمد علی، (۱۳۸۱)، "بررسی مالیات بر شرکتهای در ایران براساس الگوی مالیاتهای اسلامی"، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۱۰.
۷. دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه، نشر مشهور.
۸. سجادی، سید حیدر، غیائی، سعید غیائی، (۱۳۹۰). "بررسی فقهی مالیات ثابت در مذاهب اسلامی"، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال ششم شماره ۲۳.
۹. شهبایی، محمود، (۱۳۵۷)، ادوار فقه، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. صدر، محمدباقر، (۱۳۵۷)، اقتصاد ما، ترجمه اسپهبدی، انتشارات اسلامی
۱۱. طبری محمدبن جریر، (۱۹۸۷)، تاریخ طبری بیروت، ج ۲، وقایع سال ۱۲ هـ.
۱۲. عزیزی، حمید، حسین زاده نیکویی، حمید، (۱۳۹۳)، "بررسی رابطه بین مؤلفه‌های مذهبی و اعتقادی یا تمکین مالیاتی و فرار مالیاتی (مطالعه موردی: مودیان سازمان مالیاتی استان قم)"، مجموعه مقالات هشتمین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران.
۱۳. کفشگر جلودار، حسین. (۱۳۹۳). مالیات اسلامی، Islamic-tax. ضریبه الاسلامیه، سایت پژوهشکده باقرالعلوم، pajoohe.ir/مالیات_اسلامی-Islamic-tax-ضریبه_الاسلامیه-a-4571.asp
۱۴. گیلک حکیم آبادی، محمدتقی. (۱۳۸۵)، "بررسی توان زکات گندم و جو در کاهش فقر مطالعه موردی استان گلستان"، نامه مفید، سال دوم، شماره ۵۴.
۱۵. مهدوی خو، مهدی، مهدوی خو، رضا، (۱۳۹۴)، "نگرشی بر مفهوم مالیه اسلامی با تاکید بر مالیات اسلامی زکات"، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
۱۶. وسایل الشیعه ج ۵ باب ۳ از ابواب مکان المصلی.

ب- منابع انگلیسی

1. Ahmad, Z. (1989), "Public Finance in Islam", International Monetary Fund working paper, Islamabad, Pakistan.
2. Brathwiate, John, (2011). "The Essence of Responsive Regulation", UBC Law Review, Vol. 44: 3
3. Damjanovic, Tatiana and Ulph, David (2010), "Tax progressivity, income distribution and tax non-compliance", European Economic Review, NO.54.
4. Brown, cary E. (1984). Business income taxation and investment, Norton & co Inc
5. Dunsire, Andrew (1984), "Administrative Law and Control Over Government", Malaya Law Review, 26.p.119
6. Kaßluger, Barbara and G. Dressler, Stefana and Kirchler, Erich and Mittone, Luigi and Voracek, Martin (2010), "Sex differences in tax compliance: Differentiating between demographic sex, gender-role orientation, and prenatal masculinization (2D:4D)", Journal of

- Economic Psychology
- Lewis, Alan and Carrera, Sonia and Cullis, John, Jones, Philip (2009), "Individual, cognitive and cultural differences in tax compliance: UK and Italy compared", Journal of Economic psychology, No. 30.
 - Sabiq, S. (1991), Fiqh us-sunnah: Az-Zakah and As- Siyam. Vol.3, American Trust publications, Washington
 - Verboon, peter and Van Dijke, Marius (2007), "A self-interest analysis of justice and tax compliance" How distributive justicemoderates the effect of outcome favorability", Journal of Economic psychology, NO. 28.

